



تمدن منهای انسان و تعقل شکست می خورد/ تفکرات ضد فلسفه و عرفان متوقف شود

یک استاد دانشگاه تفسیر ابزار انگارانه از تمدن بر پایه بی توجهی به انسان و تعقل را یکی از اندیشه های تهدید کننده تمدن اسلامی خواند...

یک استاد دانشگاه تفسیر ابزار انگارانه از تمدن بر پایه بی توجهی به انسان و تعقل را یکی از اندیشه های تهدید کننده تمدن اسلامی خواند و گفت: باید جلو تفکرات اخباریگری و اشعری مسلکی و جریانات و افکار عوام‌فریبانه ضد عرفان و فلسفه را گرفت چون اینها نه ربطی به اسلام و تاریخ درخشان اسلام در مقاطع خاصی دارد و نه سنخیتی با انقلاب اسلامی و اندیشه های بنیانگذار آن امام خمینی(ره).

دکتر عماد افروغ در گفتگو با خبرنگار مهر، در مورد زمینه های فکری افول تمدن اسلامی گفت: در ابتدا باید یک تعریف روشنی از تمدن به دست بدهیم که در آن وجوه نرم افزاری فرهنگی تحت الشعاع وجوه سخت افزاری یا به اصطلاح تمدنی آن قرار نگیرد.

وی افزود: به نظرم تمدنی که از همان ابتدا انسان و جایگاه او و تفکر و تعقل و مسائلی از قبیل اخلاق و معنویت را پیش پای وجوه ابزاری ذبح می کند، باید فاتحه اش را خواند. نباید از فروپاشی یک تمدن چنین تصویری داشت که حالا برج و بارویی ساخته شده و نمایی از یک تکنولوژی و ساختمان و غیره مشهود است و حالا عواملی باعث می شوند این برج و باروها فرو بریزد. اصلاً تفکر معطوف به برج و بارو از تمدن، تفکر محکوم به شکست است.

تفکر برج و بارو از تمدن اسلامی، تیشه به ریشه اسلام زد

این محقق و مدرس دانشگاه تصریح کرد: در طول تاریخ اسلام هم هرگاه عرض تاریخ، پیش پای طول تاریخ فدا شد و هرگاه کوخ پیش پای کاخ نادیده انگاشته شد، هرگاه خون پیش پای شمشیر نادیده گرفته شد در واقع از همان زمان باید غزل خداحافظی یک چنین تمدنی را خواند. برای همین از ابتدا باید تعریفی از تمدن ارائه دهیم که این تمدن بر استخوانهای خردشده انسان و انسانیت و اخلاق و معنویت پی ریزی نشود. یعنی آن تفکر معاویه ای که کاخ سبز را نشانه عظمت اسلام می دانست، تیشه به ریشه اسلام زد و می زند؛ قرار نیست مثلاً ما کاخ سبزی بسازیم و اسم آن را تمدن بگذاریم، بعد حالا ببینیم که چه عواملی باعث می شود که ما دیگر برج و بارو و کاخ سبزی نداشته باشیم!

وی افزود: پس از همان ابتدا باید تمدن اسلامی را نرم افزارانه تعریف کرد؛ یعنی تمدنی که در آن حق انسان نادیده انگاشته نشود و رابطه انسان و خدا هم در ساحت معرفت شناختی و هم در ساحت فلسفه سیاسی متقارن دیده شود. اگر می خواهیم تمدنی بسازیم یا انسان گرایانه صرف منهای خدا که از آن امروزه به تمدنهای اومانیستی یاد می شود و یا اگر می خواهیم تمدنی بسازیم خدا منهای انسان، خوب این همان چیزی است که قرون وسطی بدان معروف است. نه تمدن قرون وسطایی به درد ما می خورد و نه تمدنی که ریشه در مدرنیته و اومانیسمی به درد ما می خورد که از خدا بریده است.

امام علی(ع) به قیمت ستم به خود و نادیده انگاشتن حق و آزادی انسانها کسی را به صلاح نمی رساند

افروغ با بیان اینکه در تاریخ اسلام از زمانی که ما از سیره نبوی و علوی فاصله گرفتیم تیشه به ریشه اسلام زده شد؛ تأکید کرد: به همین دلیل است که در قیام ابا عبدالله الحسین(ع) می بینیم که ایشان به زیبایی می فرماید که من می خواهم اصلاحی در امت جدم ایجاد کنم و به سیره جد و پدرم عمل کنم. نمود برجسته شیعه را باید در سیره حضرت امیر(ع) جستجو کرد، ایشان به قیمت ستم به

خود و نادیده انگاشتن حق و اختیار و آزادی انسانها کسی را به صلاح نمی رساند و کسی را به بهشت نمی برد که می فرماید: "لا اريد اصلاحكم بافساد نفسي".

وی افزود: هیچگاه نمی بینید امام علی(ع) به آزادی و حق مردم بی توجه باشد. حتی به لحاظ آموزه های شیعی که معتقدیم حضرت امیر(ع) حقانیت دارد، اما ایشان به رغم حقانیتی که دارد تا زمانی که مردم به گرد ایشان نیامدند اقدام عملی نمی کند، البته روشنگری و آگاهی بخشی دارند اما اقدام عملی فراتر از این مسائل است.

این جامعه شناس تأکید کرد: از زمانی که تفکر معاویه ای که ابتدا در حاشیه بود، رشد می کند و به طور عینی حکومت را غصب می کند و بعد حکومت های مختلفی که ادامه پیدا کرد، دیگر نمی توانیم از تمدن اسلامی واقعی صحبت کنیم. حتی عباسیان هم نمی توانند مظهر تمام نمایی از تمدن واقعی اسلامی باشند و حتی عصر طلایی هم به نظرم جای تأمل دارد چرا که در همین عصر رگه هایی از انسان سوزی را می بینیم.

زیربنای تمدن توجه به عقل و انسانیت است

وی یادآور شد: باید تمدن را تعریف کنیم اینکه آیا تمدن را به پیشرفتهای علمی و سخت افزاری ببریم و یا به وجوه اخلاقی و معنوی و نگاهی که به انسان می شود تعریف کنیم. به لحاظ تاریخی و مقایسه ای ما یک عصر زرین داریم و تردیدی نداریم که این عصر شکوفایی به دلیل تلفیق آموزه های اسلامی با تمدن ایرانی بود و می توانیم شاخصهایی را به دست دهیم، اما در همین عصر هم رگه هایی از بی توجهی به حقوق انسانی و دستورات دینی را می بینیم؛ البته ایده آل ما آن عصر نیست و باید به فراتر از آن بیندیشیم.

دکتر افروغ افزود: از زمانی که ما عقل و تفکر را کنار گذاشتیم و توجه به حقوق انسانی را پیش پای نگاه تکلیف گرایانه ذبح کردیم و به تفکر اشعری گری و اخباریگری اجازه مانور دادیم و قرآن و عقل و اجماع را نادیده گرفتیم و بزرگ کردن بیش از حد روایت آن هم به صورت گزینشی فراگیر شد، اساس انحراف در جهان مطلوب اسلامی ایجاد شد و این یک واقعیت تاریخی است که اوج آن با دوره آخر صفویه پیوند خورده است که به اخباریگری گرایش پیدا می کنند.

وی تأکید کرد: البته مبانی شکل گیری صفویه را نمی توان اخباری خواند، اما تداوم آن به ویژه دوره آخر مصادف است با رواج رفتارگرایی، نمادگرایی، جمودگرایی و اخباریگری و غیره. آن صفویه ای که پاسخی است به بحران هویتی و فرهنگی ما ایرانیان و بنای عقلی و عرفانی نسبتاً قابل قبولی دارد توسط محمود افغان از بین می رود. به میزانی که ما به انسان و عقل او و شرف انسانیت او و شرف تفکر او به عنوان گوهر انسانی بها دهیم به نظرم این زیربنای اصلی یک تمدن است، به ویژه تمدن اسلامی که در سنت شیعی ما میانه خوبی با عقل دارد؛ یعنی اگر در سنت اهل تسنن نگاه کنید متوجه می شوید چندان تفکر فلسفی شکل نگرفته اما در جهان تشیع تفکر فلسفی خوب شکل گرفته است.

زنگ خطری برای تمدن اسلامی

وی تفسیر سخت افزارانه و ابزارانگارانه از تمدن بر پایه بی توجهی به انسان و تفکر و تعقل را یکی از اندیشه های تهدید کننده تمدن

اسلامی خواند و گفت: الان احساس می‌کنم که تمدنی را می‌خواهیم نضج دهیم که در آن انسان، اخلاق، معنویت، وجوه نرم افزاری، حقوق شهروندی و... مورد غفلت واقع می‌شود؛ یعنی ما تمدن را در ساختمان و ابزار و یکسری شاخصهای فرمالیستی می‌بینیم شاید این نوع تمدن برای ما برج و بارو بیاورد اما ما را از وجوه فرهنگی مورد نظر اسلام ناب محمدی(ص) همانی که امام(ره) در دهه 50 طی نامه ای فرمودند پیامبر(ص) بر روی زمین گرم تمشیت امور جهان اسلام را می‌کردند و برج و بارویی نداشت و این مسئله را می‌ستایند، می‌بینیم.

این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: باید جلو تفکرات اخباریگری و اشعری مسلکی و جریانات و افکار عوام‌فریبانه ضد عرفان و فلسفه را گرفت چون اینها نه ربطی به اسلام و تاریخ درخشان اسلام در مقاطع خاصی دارد و نه سنخیتی با انقلاب اسلامی و اندیشه های بنیانگذار آن یعنی امام خمینی(ره). وقتی حسنیه هیکل در مصاحبه ای از امام (ره) می‌پرسد که این انقلاب مرهون چه جریاناتی است؟ ایشان می‌فرماید: در حدیث بحث اصول کافی را مطرح و در فقه هم فقه صاحب جواهر را اشاره می‌کنند و یا در پیغامی که برای گرباجوف می‌فرستند یکی از نوصدرایی های معروف معاصر یعنی آیت الله جوادی آملی را به نمایندگی می‌فرستند.

این جامعه شناس افزود: اینکه امام در جریان هشدار به فروپاشی شوروی چه کسانی را می‌فرستند، بسیار مهم است. اولاً چه کسانی را به عنوان نماینده خود می‌فرستند و ثانیاً محتوای این پیام چیست؟ پیام، صدراپی و عرفانی است. خوب این به معنی این است که ما از طریق فیلسوفان مان تمدن شما را به چالش می‌کشیم.

سود و اقتدار ابزار اخلاق، معنویت و عدالت و معرفت هستند

دکتر افروغ با تأکید بر اهمیت علوم عقلی و علوم نقلی در تمدن اسلامی تأکید کرد: علوم نقلی ما بدون پشتوانه عقلی اعتبار خود را چگونه به دست می‌آورند؟ اگر بحثی درباره خدا نداشته باشیم و براهین قابل قبولی ارائه نکنم چگونه می‌توانم به بلندای وحی برسیم و از طریق آن به عظمت نقل و روایت پی ببرم. ابتدا باید من یک بحث عقلی داشته باشم و بگویم محدوده عقل بشری اینقدر است و از یک جاهایی به بعد باید به منبع دیگری به عنوان وحی رجوع کند. خوب اینها که نمی‌تواند از طریق دل و احساس باشد و خود این احساس هم توسط عقل مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

وی تصریح کرد: نباید فرض را بر این بگذاریم که تمدن یعنی قدرت و سود و بعد ببینیم که چگونه شده از این سودگرایی و اقتدارگرایی مان - که به هر قیمتی ممکن است تفسیر شود- دور شده ایم؛ نه اصلاً اینطور نیست. البته سود و قدرت را می‌خواهیم اما اینها نقش ابزاری دارند. سود و اقتدار ابزار اخلاق، معنویت و عدالت و معرفت هستند. بنابراین تمدن مورد قبول ما یک تمدن صرفاً سخت افزارانه نیست؛ یعنی هم سخت افزارانه و هم نرم افزارانه است. اما وجه سخت افزارانه آن ابزاری برای وجه نرم افزارانه است.

وی یادآور شد: تبدیل شدن به قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی هدف نیست، بلکه اهداف کیفی مورد نظر ماست یعنی خلط هدف و وسیله صورت نگیرد. اینگونه نشود که معرفت خدا ابزار اقتدار و قدرت اقتصادی ما شود بلکه برعکس باید دنبال شود، و در تاریخ اسلام هم کم داشتیم و فقط دوران حکومت پیامبر(ص) و دوران امام علی(ع) توجه به وجه نرم افزاری تمدن را داشتیم.

دکتر افروغ در پایان تأکید کرد: البته منکر این نیستیم که در دوران مختلف تاریخ اسلام وجه سخت افزاری تمدنی داشتیم و منکر این هم نیستیم که در برخی از دوره ها تفکرهای فلسفی قابل قبولی نضج کردند، اما اگر بخواهیم در قالب نظام سازی از آن یاد بکنیم ما

یک نظام سازی ایده آلی بعد از حکومت امام علی(ع) در اختیار نداشتیم و صفویه هم نمی تواند نمونه مطلوب باشد و در مورد انقلاب اسلامی هم هنوز اول راه هستیم و حتی یک جاهایی - برخلاف برخی که فکر می کنند در مسیر هستیم- من فکر می کنم یا در مسیر نیستیم و یا در مسیرهای انحرافی داریم قدم برمی داریم که باید هوشیار باشیم.